

مقدمه

فعالان عرصه تجارت همواره می‌کوشند تا جایگاه خود را در بازار به طرق مختلفی مستحکم سازند و بهبود بخشند و برای رسیدن به این مقصود، از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کنند تا از دارایی‌های ارزشمند خود حفاظت کنند و منافع افزون‌تری به دست آورند. یکی از تمهیداتی که گاه در این زمینه اندیشیده می‌شود، اعمال محدودیت‌هایی نسبت به اشخاصی است که در تعاملات تجاری با آنها هستند تا از رهگذر آن، ثبات تجارت خود را تأمین کنند و مانع از سوء استفاده احتمالی اشخاص مزبور شوند. قرارداد عدم رقابت به عنوان یکی از پیمان‌های محدودکننده تجارت، در شمار مهم‌ترین ابزارهای مشروعی قلمداد می‌شود که به‌کارگیری آن، در تضمین حقوق اشخاص و بنگاه‌های تجاری نقش چشمگیری ایفا می‌کند.

این توافق به سبب ماهیت خود که نوعی پیمان در گستره تجارت است، به حقوق قراردادهای تجاری و به‌واسطه پیامدهایی که معطوف روند رقابت و نحوه تعاملات بنگاه‌هاست، به حقوق رقابت و در مواردی از حیث موضوع و هدف حمایتی، به حقوق مالکیت فکری مرتبط می‌شود.

در وضعیت کنونی، فارغ از لزوم اعمال موازین تثبیت‌شده در عرصه قراردادهای، ضرورت ترک گفتن پاره‌ای نگرش‌های سنتی نسبت به توافقات نوین، در برخی موارد ملموس‌تر است. یکی از مصداق‌های بارز جلوه چنین ضرورتی، در پیکره قرارداد عدم رقابت نمود می‌یابد، به طوری که کارکرد مطلوب آن، مستلزم بازنگری در پاره‌ای قواعد موجود است تا اینکه این وسیله به طرز کاراتری در خدمت تحقق مقاصد مشروع قرار گیرد.

کلان‌نگری در مسیر جدیدی که اقتصاد ایران در پیش گرفته که همانا توسعه

اقتصادی از طریق بها دادن هرچه بیشتر به خصوصی سازی است، مقتضی ایجاد تغییرات بنیادین در دیدگاه‌ها و ساختارهای حقوقی در عرصه رقابت است. با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به بخشی از این مطالبات - صرف نظر از کارآمدی یا اصولی بودن موازین آن - پاسخ نسبتاً درخور داده شده است، اما رهیافت‌های این قانون نسبت به قرارداد عدم رقابت که به نوبه خود، توان اثرگذاری بر بستر رقابت، ارتقا و یا انحراف و تحدید آن را دارد، مبهم و غیر کارا می‌نماید. به این ترتیب، تحلیل جنبه‌های موضوع از منظر قواعد رقابتی در نظام‌های مختلف، به لحاظ نظری و عملی اهمیتی غیر قابل انکار دارد.

توسل به قرارداد عدم رقابت در حمایت از برخی مصادیق دارایی‌های فکری نیز راهکار مناسبی به شمار می‌رود؛ به طوری که به دارنده کمک می‌کند تا ضمن محافظت مؤثر از اموال فکری خود به‌ویژه دانش فنی، فرصت بهره‌گیری بیشتری را از آن‌ها به دست آورد.

در حقوق ایران جنبه‌های مختلف موضوع توافقات عدم رقابت، چه در مقررات و چه در ادبیات حقوقی، تا حدود زیادی ناشناخته بوده است و سابقه چشمگیری از آن مشاهده نمی‌شود. از این‌روست که موضوع قراردادهای عدم رقابت نیازمند روشنگری حقوقی به‌واسطه مطالعه تطبیقی بوده است؛ چنان‌که این کتاب به نوبه خود، سعی در تحقق آن دارد. بر این اساس، در بررسی این مقوله باید رهیافت‌ها و سازوکارهای سایر نظام‌های حقوقی را مطلق نظر قرار داد و طریق تحلیل قواعد حقوقی سایر کشورها را در نگرشی تطبیقی و با عنایت به ویژگی‌های بومی و نیازهای حقوق ایران در پیش گرفت. به‌ویژه توجه به موازین پیشرو و تثبیت شده حقوق آمریکا در حوزه قراردادهای عدم رقابت، در تحقق این مقصود می‌تواند راهگشا باشد.

از دیدگاه آموزشی، کتاب حاضر برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد رشته‌های حقوق مالکیت فکری، حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق اقتصادی تدوین شده است تا به عنوان منبعی فرعی و کمکی در درس‌های مربوط به قراردادها،

حقوق اطلاعات و دانش فنی و حقوق رقابت، به سهم خود به تحلیل ابعاد قرارداد عدم رقابت در پرتو مقتضیات خاص هریک از رشته‌های مزبور پردازد و زمینه‌آشنایی دانشجویان را با بحث‌های نوین این دست قراردادهای تجاری فراهم آورد. از منظری دیگر، تبیین عمیق چارچوب‌های توافق عدم رقابت، می‌تواند توجه بنگاه‌های تجاری را برای استخدام بهینه و بجای چنین قراردادهایی جلب کند و با مشخص شدن مرزهای اعتبار و نحوه کارکرد آن، متعهدان، به‌ویژه کارکنان بنگاه‌ها، از حدود التزامات و حقوق خود آگاه می‌شوند و تن به تحدیداتی که به از بین رفتن آشکار حقوقشان بینجامد نمی‌دهند. افزون بر این، اتخاذ راهبردی معقول در برابر این نوع پیمان‌ها، زمینه همگامی و همگرایی با نظام‌های دیگر را فراهم می‌آورد و برای شرکت‌های خارجی فعال در عرصه تجارت ایران نیز تضمین مناسبی فراهم می‌آورد و خاطر آن‌ها را در بهره‌مندی از این ابزار کارآمد آسوده می‌سازد، به طوری که به نوبه خود، در توسعه فعالیت‌های تجاری مؤثر خواهد بود.

به طور کلی باید اذعان داشت که قرارداد عدم رقابت در فضای کنونی، ابزار کارآمدی است که در غیاب قواعد قانونی و برخلاف نقش نامحسوس و مبهم مقررات حمایتی موجود، به فعالان تجاری امکان می‌دهد تا از حمایتی شفاف و همه‌جانبه به‌واسطه پیمانی که خود، حدود و قواعد آن را تعیین کرده‌اند، برخوردار شوند. اما در این میان آنچه اهمیت عمده‌ای دارد، ترسیم دقیق قلمرو اعتبار قرارداد عدم رقابت و اتخاذ راهکارهای مناسب و اصولی در قبال آن به نحوی است که مانع از تشّت آراء در برابر این پیمان نسبتاً جدید شود و حقوق‌دانان و رویه قضایی را به سمت تلقی واحدی نسبت به آن سوق دهد.

کتاب حاضر در طریق دستیابی به اهداف مزبور و تبیین موضوع قراردادهای عدم رقابت، مطالبی را در پنج فصل عرضه می‌کند:

در فصل نخست، مباحثی مربوط به شناسایی قرارداد عدم رقابت و مفاهیم ناظر به آن مطرح گردیده است و ضمن اشاره به پیشینه تحولات آن، مبانی موجهه اعتبار قرارداد عدم رقابت بررسی و ماهیت آن تبیین شده است.

در فصل دوم، درباره شرایط شکلی و ماهوی اعتبار قرارداد عدم رقابت و مناسباتی که توافق عدم رقابت در بستر آنها برای حمایت از منافع خاصی مداخله می‌کند، سخن گفته شده است.

در فصل سوم، درباره آثار قرارداد عدم رقابت و تعهدات طرفین قرارداد و تبعات تخلف از آنها بحث شده است.

فصل چهارم به بیان قواعد انحلال قرارداد عدم رقابت اختصاص دارد؛ نخست اسباب انحلال در پرتو موازین خاص ناظر به این قرارداد تحلیل گردیده و سپس به شرح مسئله مناقشه برانگیز تعدیل قرارداد عدم رقابت پرداخته شده است و در نهایت، به یکی از تحولات مهمی که در عرصه قراردادهای عدم رقابت تحت نظریه افشای اجتناب‌ناپذیر رخ نموده، اشاره شده است.

در فصل پنجم این کتاب، از منظر قواعد حقوق رقابت، قرارداد عدم رقابت به چالش کشیده شده است و پس از بیان مقدمه‌ای درباره موازین بنیادین حقوق رقابت، چگونگی اجرای اصول این شاخه از حقوق نسبت به قرارداد عدم رقابت بررسی شده است.

در خاتمه لازم می‌دانیم از همکاری و حمایت مدیر صاحب‌فضل گروه حقوق سازمان «سمت» آقای دکتر باقر انصاری تشکر ویژه نماییم و زحمات بی‌دریغ کارشناس محترم گروه سرکار خانم مریم فلاح شجاعی را ارج نهیم. همچنین از دقت نظر ویراستار ارجمند آقای دکتر مصطفی باباخانی سپاس‌گزار می‌کنیم.

امید است که این اثر علمی ناچیز که به سبب نو بودن مباحث و همچنین بضاعت اندک نویسندگان آن، بی‌تردید مصون از کاستی‌ها و اشتباه‌های بی‌شمار نیست، به خوان عنایت صاحبان فضل راهی یابد تا با بهره‌گیری از نقادی عالمانه و ارجمند صاحب‌نظران، طریق اصلاح و تکمیل آن در آینده گشوده شود.